

درس سیصد و بیست و هفتم: صوت ۳۴۴

بررسی اشکالات عقلی در باب حسن احتیاط (۲)

أَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

تلمیذ: در بحث احتیاط مراتب مصالح باید لحاظ بشود؟ یک نفر اگر بخواهد احتیاط روی امرش داشته باشد، در آنجا که احتیاط می کرده است مرقوم فرمودید که باید خودش را با توحید وفق بدهد. حالا این خب مراتبی پیدا می کند. آیا در مرحله رعایت شرع و اسلام آسبک آیا تمام مراتب باید لحاظ بشود یا نه هر کسی به مراتب خودش باید باشد؟

استاد: اتفاقاً مرحوم آخوند در بحث این جلسه همین مطلب را مطرح می کند، ایشان می فرمایند که ممکن است شخصی نسبت به احتیاط قائل بر این باشد که نیت قربت شرط نیست؛ یعنی صرف انجام عمل بدون نیت قربت، احتیاط است. خب در این صورت اگر مسئله به این کیفیت باشد شکی نیست بر اینکه در اینجا نیاز به امر نیست.^۱ در احتیاط

۱. کفایة الأصول، ص ۳۵۰.

تمام اشکال در این بود که آیا در اینجا نیت قربت شرط است یا نه؟ وقتی شما این شرط را برداشتید دیگر در اینجا کسی شک نمی‌کند بر اینکه مورد این مانحن فیه [جای] احتیاط است یا نه؟ دیگر شبهه‌ای ندارد.

بعد اشکالی که خود مرحوم آخوند نسبت به این مطلب وارد می‌کنند این است که می‌فرمایند: اینکه احتیاط نیست، اولاً ایشان می‌فرمایند که ادله بر این مسئله دلالت ندارند و مساعدت نمی‌کنند، به جهت اینکه ادله از احراز واقع حکایت می‌کنند و احراز واقع بدون نیت قربت معنا ندارد و باید شخص مکلف در جهت احراز واقع نیت تقرب داشته باشد، ورزش که نمی‌خواهد بکند! ریاضت که نمی‌خواهد بکشد تا مدام نماز را به چهار طرف بخواند و پشتک بزند بلکه باید نیت تقرب باشد، بنابراین وقتی شما نیت تقرب را بردارید دیگر در این صورت مسئله احراز واقع در اینجا متمشی نمی‌شود.^۱

دوم اینکه اگر دلیلی بر این مسئله دلالت بکند،

^۱. همان.

خودش مولوی می‌شود چون او دیگر با واقع ارتباط ندارد، یعنی یک دلیلی آمده می‌گوید که آقا این کار را انجام بده، دیگر احراز واقعی در اینجا نیست، می‌گوید که این کار را بکن، ولی مرحوم آخوند در اینجا اشتباه می‌کند و جهتش هم این است که آن شخصی که می‌خواهد فعلی را انجام بدهد چه نیتی دارد؟ ما اسم آن نیت را تقرب می‌گذاریم، ما دیگر نیت غیر از این نمی‌خواهیم؛ یعنی وقتی که شخصی می‌آید صلاة به اربع جهات را اتیان می‌کند - همان‌طوری که گفته شد - منظور او اتیان واقع است، **و لا نَعْنی بالقربة إلا هذا**. خب همین کفایت می‌کند، همین که او می‌آید به چهار طرف نماز می‌خواند، نمی‌خواهد که چرخ بزند، اتفاقاً کمرش هم درد می‌کند و نمی‌خواهد نماز بخواند بلکه می‌خواهد بگیرد یک جا بنشیند، می‌خواهد بگیرد بخوابد اینکه به چهار طرف می‌خواهد نماز بخواند برای چیست؟! به‌خاطر اینکه واقع را اتیان بکند! او همین که می‌گوید: **الله اکبر** یعنی من می‌خواهم واقع را انجام بدهم، خب این قربت است دیگر! معنای قربت این نیست که انسان بیاید دست روی

خصوص آن موضع و خصوص آن مورد بگذارد و بگوید که این عمل من واقع است، نه! این مطلب به این کیفیت نیست. این مسئله مردود می‌شود.

بعد دیگر مرحوم آخوند وارد بحث اخبار «مَنْ

بَلَّغَ» می‌شوند که آیا به واسطه اخبار «مَنْ بَلَّغَ»

حُسن احتیاط را می‌شود در اینجا ثابت کرد یا نه.

احتیاط در طهارت و نجاسات موجب

وسواس

نکته‌ای که در صحبت شما و اشکال شما نسبت

به مسئله بود این است که هر شخص محتاطی برای

وصول به واقع باید این احتیاط از او سر بزند حالا

واقع هرچه می‌خواهد باشد؛ حالا آن واقع مسئله

توحیدی باشد، مسئله سلوکی باشد، مسئله عبادی

باشد، مسئله شرعی باشد یا مسائل غیر شرعی باشد،

هرچه می‌خواهد باشد و در هر رتبه‌ای می‌خواهد

باشد، جای احتیاط این است که احراز واقع بشود اما

در بعضی از موارد می‌بینیم که خود شارع امر به عدم

احتیاط کرده است یعنی نفس احتیاط، مانع است.

من باب مثال در باب طهارت و نجاسات بنای شارع

بر مسامحه است و شارع عمداً در اینجا آمده حکم

به عدم احتیاط کرده است، دارید در السنه می بینید چرا؟ چون مورد طهارت و نجاست از مواردی است که اگر انسان بخواهد احتیاط کند و شارع هم بخواهد تأیید کند، قطعاً این قضیه به وسواس کشیده می شود، در نود درصد افراد این طور است. الآن این همه افرادی که وسواس دارند برای چیست؟ به خاطر احتیاط است! حالا اگر می بینیم که شارع آمده روی مسئله طهارت ثوب هم تأکید کرده که حتماً باید طاهر باشد، خُب کم کم وسواس پیدا می شود.

ظهور وسواس در مسائل مهم مثل حج

وسواس هم در کجا ظاهر می شود؟ اتفاقاً در بعضی جاهای مهم مثل مسئله حج پیدا می شود. حج یکی از مسائلی است که بسیار در این قضیه وسواس برای افراد پیدا می شود و من خیلی از افراد را دیدم که مسئله وسواسشان از بعد از حج شروع شد، چون در موقع حج افراد را می ترسانند که حج تو باطل شد! زنت به تو حرام شد! خُب شد که شد! پیرمرد هفتادساله بود در منی می لرزید و این طوری رعشه داشت گفت که آقا می گویند که اگر طواف نساء نکنیم زن حرام می شود، گفتم که خُب بشود بهتر!

گفت که اِه مگر می‌شود؟! گفتم که حالا عوضش راحتی فعلاً! یک‌دفعه گفت که این حاج آقا چه می‌گوید؟! می‌گوید که بهتر که حرام شد! این اضطراب برای چیست؟ برای همین است که احتیاط آن‌طوری که واقعاً مورد امضاء است انجام بشود. خب وقتی که این‌طور هست کم‌کم نفس نسبت به این مسئله حالتش دگرگون می‌شود و حالت وسواس در آن پیدا می‌شود لذا شارع این مسئله را کنار گذاشته و در این موارد عمداً انسان باید خلاف احتیاط انجام بدهد؛ یعنی اگر بخواهد به سمت احتیاط برود آن خودش وارد شدن در مهلکه است لذا خلاف احتیاط انجام بدهد و طبق عمل به ظواهر جلو برود.

موارد حُسن احتیاط

اما در مواردی که انسان احساس می‌کند که جنبه تفویت یک مصلحتی هست؛ مصلحت سلوکیه‌ای هست و ممکن است نسبت به آنجا از راه عقب بماند، ممکن است نسبت به یک قضیه مطلب مورد بازخواست قرار بگیرد قطعاً عقل در آن موارد حکم

به احتیاط می‌کند و این مسئله خودش در اختیار انسان است و خود انسان می‌فهمد، هر شخصی بر طبق مدرکات خودش می‌فهمد که در کجا باید احتیاط کرد و در کجا مثلاً نباید احتیاط کرد و باید مقدار و حدود احتیاط هم مشخص بشود.

علی‌کلّ حال نه می‌توانیم بگوییم که در تمام مسائل شرع باید احتیاط کرد - در خیلی مسائل نه - و نه در همه مسائل نباید احتیاط کرد؛ می‌بینیم که در مسئله دماء باید احتیاط کرد چون مسئله یک مسئله شوخی نیست در فروج و در مسئله اعراض باید احتیاط کرد چون اینها مسائلی است که خیلی باید احتیاط کرد؛ **«الحدود تُدْرَوُ بالشبهات»؟! خب** لسان روایت و لسان دلیل در آنجا حکم به احتیاط به نحو شدت و به نحو تمام می‌کند ولی در مسائل عادی و مسائل پیش‌پاافتاده این طور نیست لذا باید ببینیم که لسان دلیل حاکم به چیست.

مرحوم آخوند مطلب را تا اینجا می‌آورند بر اینکه اشکال به نیت تقرب در مورد احتیاط به قوّت خودش باقی است و عقل حاکم به حُسن احتیاط بدون جهت تقرب است. این کلام مرحوم آخوند

است که مطلب را می آورند تا به اخبار «مَنْ بَلَّغَ» می رسند. اما چون بحث اخبار «مَنْ بَلَّغَ» قبلاً گذشت لذا دیگر از این بحث صرف نظر می کنیم. إن شاء الله راجع به مسئله حُسن احتیاط آن مطالبی که از اعلام ثلاثه راجع به این قضیه هست به نحو فشرده عرض می کنیم و وارد بحث دیگر می شویم که البته این یک هفته ای کار دارد.

ظاهراً بحث بعدی بحث نهی از ضد است؛ اجتماع امر و نهی است این طوری که به نظرم می رسد.

معنای کلام «احتیاط در خلاف احتیاط»

تلمیذ: در اینجا یک مطلبی فرمودید که در بعضی جاها شرع نسبت به بعضی از موارد احتیاط را خودش برداشته، آیا می شود گفت که با یک دید کلی تری باید احتیاط را لحاظ کرد، یعنی می بیند اگر او به وسواس بیفتد از آن غرض حرکت انسانی باز می ماند.

استاد: خب برای همین می گویند که احتیاط در خلاف احتیاط است؛ بله! شرع آمده نسبت به بعضی

از موارد قائل به ترخیص شده و در بعضی موارد قائل به تشدید، به خاطر مصالح است و احتیاط هم چیزی نیست جز وصول و ادراک مصالح بنابراین اگر در یک جا انسان احتیاط کند که نباید احتیاط کند، خود این خلاف احتیاط است.

تلمیذ: پس همان می شود گفت که عقلاً حُسن احتیاط لازم می آید ولی موارد فرق می کند یعنی عمق دیدگاه یک نفر مهم است که چطور مطلب را نگاه می کند.

استاد: بله.

اللهم صل علی محمد و آل محمد